

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه تقریرهای دلیل اجماع بر حجیت خبر واحد

عرض کردیم یکی از ادله حجیت خبر واحد را اجماع قرار داده‌اند، برای آن پنج بیان و تقریر ذکر شده است. تقریر اول و دوم را بیان کردیم. در تقریر دوم این اشکال مطرح بود که این اجماع، اجماع مدرکی یا محتمل المدرك است، و چنین اجماعی حجیت ندارد؛ چون اصالت ندارد و عنوان اجماع تعبدی را ندارد. ما در این اشکال مناقشه کردیم و عرض کردیم وجود مدرک، خدشه‌ای به حجیت اجماع وارد نمی‌کند. حالا این نکته را هم اضافه بفرمایید که تقریباً يك استثنایی است که عرض می‌کنیم و آن این است که در مواردی که برای ما بطلان مدرک مسلم است، بعید نیست بگوییم این اجماع کاشفیت ندارد؛ اما در مواردی که مدرک نزد ما صحیح است، خود اجماع کاشفیت هم دارد، و ملاک حجیت اجماع نیز وجود دارد. یعنی در جایی که مدرک یقیناً باطل است، می‌توانیم بگوییم هر چند هزار نفر این مطلب را گفتند، اما همه مستند به این دلیل گفته‌اند و این دلیل هم یقیناً نزد ما باطل است.

اینجا قول این هزار نفر کاشفیت ندارد؛ اما در جایی که به مدرک معتبر و قابل قبول استدلال و استناد می‌کنند، برای ما کاشفیت دارد. نکته‌ای را در جلسه گذشته عرض کردم که ما بیش‌تر اعتمادمان در این مناقشه، روی این نکته است؛ مبنی بر آن که اگر این صد نفر هر کدام به يك دلیل استدلال کردند؛ گرچه بعضی از این ادله ممکن است نزد ما مخدوش باشد، اما برای ما اتفاق فقها بما هو اتفاق کاشفیت از قول معصوم(ع) دارد. ملاک حجیت اجماع نیز همین کاشفیت است؛ غیر از کاشفیت چیز دیگری نیست.

هرچند که عرض کردم از چیزهایی که امروزه در السنه تقریباً به عنوان يك مسئله و اصل مسلم پذیرفته شده و خیلی راجع به آن بحث نمی‌کنند همین است که می‌گویند اجماع مدرکی و محتمل المدرك غیرقابل قبول است. بحث در این است که فرق بین اجماع مدرکی و غیر مدرکی چیست؟ می‌گویند غیر مدرکی آن است که مدرکش برای ما معلوم نیست؛ اما اجماع مدرکی، مدرکش معلوم است.

شما از خودتان سؤال کنید و به نفستان مراجعه کنید، معلوم بودن یا معلوم نبودن مدرک چه نقشی در کاشفیت دارد؟ آن که کاشف است خود قول است؛ سواء کان مدرکه معلوماً أو غیر معلوم. بله، وقتی مدرک معلوم بود و نزد ما باطل بود، دیگر کاشفیت ندارد؛ یعنی می‌شود صد قول باطل؛ و صد قول باطل کاشفیت ندارد. اما صد قول صحیح علاوه بر اینکه مدرکش هم صحیح است، خود این صد قول بماهم اتفاق، برای ما کاشفیت دارد.

تقریر سوم اجماع

بیان سوم اجماع، اجماع قولی است. در بیان دوم می‌گفتیم همه علما مگر سید مرتضی و تابعین او اجماع دارند؛ اما در این بیان می‌گوییم اجماع قولی من جمیع العلماء حتی سید مرتضی بر حجیت خبر واحد است؛ یعنی برای اجماع قولی مخالفی را تصویر و فرض نمی‌کنیم. این یعنی چه؟ می‌گوییم سید مرتضی و اتباع ایشان، هرچند که با خبر واحد مخالف هستند و می‌گویند خبر واحد حجیت ندارد؛ اما علت مخالفتشان این بوده که باب علم را مفتوح می‌دانستند، انفتاحی بودند؛ اگر آنها هم انسدادی بشوند، باید خبر واحد را حجت بدانند. وقتی باب علم مفتوح و علم امکان دارد، دیگر نوبت به ظن نمی‌رسد؛ اما وقتی باب علم مسدود است، چاره‌ای نداریم که به خبر واحد ظنی عمل کنیم.

پس، اگر سید مرتضی و اتباع ایشان نیز انسدادی شوند، لا محاله قائل به حجیت خبر واحد هستند؛ و الآن بحث ما هم در فرض انسداد است. پس، همه علما قائل به حجیت خبر واحد هستند و در این مورد مخالفی نداریم. اشکالات تقریر سوم: به این بیان سوم دو اشکال شده است. اشکال اول همان اشکالی است که در بیان دوم بود؛ مبنی بر آن که بالاخره این اجماع مدرکی است؛ که طبعاً همان مناقشه‌ای که ما در آنجا ذکر کردیم، اینجا هم جریان دارد. اشکال دوم این است که این اجماع می‌شود اجماع تقدیری؛ یعنی شما می‌گویید بر فرض که سید مرتضی انسدادی باشد، قائل به حجیت بود. این تازه اول کلام است؛ از کجا چنین مطلبی معلوم است؟ شاید اگر سید مرتضی انسداد را می‌پذیرفت، باز هم قائل به حجیت خبر واحد نبود. لذا این اجماع، می‌شود اجماع تقدیری و حجیت ندارد.

تقریر چهارم اجماع

بیان چهارم اجماع عملی است؛ وقتی به تمام کتب فقها من الصدر الی الذیل مراجعه کنیم، تمام فقهاء در فتاوایشان به اخبار آحاد استدلال کرده‌اند؛ یعنی عملاً در فتاوا حجیت خبر واحد را قائل بودند. فقیهی نیست که در مقام فتوا به خبر واحد عمل نکرده باشد. اینجا چند جواب از این اجماع وجود دارد.

جواب اول این است که اولاً افرادی داریم که گاه در بحثشان به خبری که رسیدند، به مجرد این که این خبر، خبر واحد است، آن را رد کردند و با فتاوی دیگران مخالفت کردند؛ مثل مرحوم ابن ادریس؛ ایشان از کسانی است که خبر واحد را حجت نمی‌دانند؛ در سرائر موارد متعددی هست که بعد از نقل فتوای دیگران، برای مناقشه در آن می‌گویند این فتوا مستند به خبر واحد است؛ و خبر واحد برای ما حجت نیست. جواب دوم: درست است فقها در مقام فتوا به اخبار آحاد تمسک کرده‌اند، اما ممکن است برخی این اخبار را قطعی الصدور بدانند.

جماعت یا کثیری از اخباریین، اخبار صادره از معصومین را قطعی می‌دانند؛ اگر تمام کتاب‌های روایی را قطعی ندانند، اخبار کتب اربعه را قطعی الصدور می‌دانند. لذا، اینها از باب خبر واحد ظنی به اخبار آحاد عمل نکردند؛ بلکه از باب این بوده که اینها را قطعی الصدور، یا محفوف به قرینه‌ی قطعی می‌دانند. خود مرحوم سید مرتضی مواردی است که به اخبار آحاد عمل کرده است؛ چون عصرش با زمان حضور امام معصوم (ع) نزدیک بوده، لذا گفته این اخبار محفوف به قرینه قطعی است؛ و نزاع ما در خبر واحد غیر محفوف به قرینه است.

تقریر پنجم اجماع

بیان پنجم اجماع عملی از جمیع متشرعه است. تاکنون می‌گفتیم اجماع عملی یا قولی علماء بر حجیت خبر واحد است؛ بیان پنجم اجماع عملی تمام متشرعه است. تمام مردم متدین و متشرع به خبر واحد به عنوان دلیل نگاه کرده و به آن عمل کرده است؛ و این سیره‌ی عملیه متشرعه، در حضور معصوم (ع) بوده و مورد ردع قرار نگرفته است؛ پس، برای ما حجیت دارد. جواب این بیانات آن است که سیره‌ی عملی متشرعه وقتی برای ما دلالت دارد که بما هم متشرعون و متدینون باشد؛ این تعبیر را مرحوم شیخ در مکاسب زیاد دارد.

سیره‌ی متشرعه زمانی اعتبار دارد که آنها بما هم متدینون عمل کرده باشد. آیا متشرعه به خبر واحد بما هم اهل الاسلام و بما هم متدینون عمل کردند یا اینکه بما هم عقلاً عمل کردند و متشرعه هم دیدند عقلاً در امور جاریه خودشان به خبر واحد ظنی ثقه عمل می‌کنند، اینها هم عمل کردند؟ ظاهر این است که اینجا متشرعه بما هم متشرعه عمل نکردند، بلکه بما هم عقلاً عمل کردند. آن وقت اگر بما هم عقلاً باشد، وارد دلیل چهارم می‌شویم که مهم‌ترین دلیل برای حجیت خبر واحد، سیره عقلاست؛ یعنی اگر گفتیم متشرعه بما هم عقلاً به خبر واحد عمل کردند، می‌شود سیره عقلاً.

سیره‌ی عقلاً يك بحث مفصلی است، چند روز هم طول می‌کشد؛ و عرض کردم خیلی از بزرگان فرموده‌اند در بحث خبر واحد، آیات دلالت ندارد؛ اخبار دلالت ندارد؛ اجماع و عقل دلالت ندارد؛ تنها چیزی که دلالت دارد، سیره‌ی عقلاست. و این بحث مفصلی دارد که بماند برای بعد از تعطیلات دهه‌ی آخر ماه صفر؛ انشاءالله. بالاخره در اجماع نظر ما این است که اجماع محصل قولی در حجیت خبر واحد موجود است، و مدرکی بودن اشکالی به آن وارد نمی‌کند؛ یعنی همان بیان دوم را پذیرفتیم.

مبارزه با خرافات در عزاداری امام حسین (ع)

دهه‌ی آخر صفر در پیش است؛ ایام تبلیغ هم هست و چند حادثه مهم نیز در پیش است.

یکی اربعین اباعبدالله (ع) است که اربعین مورد عنایت خاص بزرگان و علما و شیعه و به خصوص کسانی که واقعاً اهل ولایت هستند برای اربعین يك اعتبار خاصی را قائل هستند. و این اختلافی که وجود دارد که آیا کاروان اسرا در اربعین اول به کربلا آمدند یا در اربعین دوم. قدیم الایام خود من تحقیق کردم، قرائن و شواهد بسیار خوبی وجود دارد که کاروان اسرا را در اربعین اول به کربلا آوردند.

آقایان سعی بفرمایند در این ایام مطالب مستندی را برای مردم بیان کنند؛ اگر مطلبی را تردید دارید یا احتمال می‌دهید که صحیح نباشد، ولو ظن قوی به صحتش داشته باشید، اما تا زمانی که یقین به صحتش ندارید، مطلبی را نقل نکنید. واقعاً ما باید از حادثه عاشورا درست استفاده کنیم.

شب گذشته جایی دعوت داشتم، فیلمی را برای من گذاشتند که واقعاً متأثر شدم چه مقدار به عظمت کار اباعبدالله الحسین، اصحاب و خاندان آن حضرت جفا می‌کنیم. آن کار این بود که در شهری حوضچه‌ای از شیشه درست کرده‌اند؛ شیشه‌های خرد به اندازه دو فرش دوازده متری، و افرادی لخت شدند روی این شیشه‌ها غلت می‌خوردند؛ و من دیدم بچه‌ای پنج شش ساله را خواباندند بر روی این شیشه‌ها و غلتش دادند. خود ما که يك مرد کامل و بزرگی هستیم، اگر بگویند کف پایت را روی این شیشه‌ها بگذار، حاضر نیستیم این کار را کنیم؛ اما دیدم این بچه پنج شش ساله را خواباندند روی این شیشه‌ها و غلتش دادند. برای من نقل کردند که این بچه بعد از چند روز از دنیا رفت. کدام مرجع تقلید، کدام عالمی، کدام اهل ولایتی چنین چیزی را جایز می‌داند.

بعضي هم كه در اين موارد تذكراتي مي دهند، ديگران بلا فاصله آنها را متهم مي كنند كه اينها ولايي نيستند. چرا؟ ولايت اين است كه حقيقتش را انسان بفهمد.

روزي من مي گفتم كه در ميان مراجع ولائي تر از امام سراغ ندارم؛ براي اينكه آن روزي كه ديدني ظلم در همين ايام همه حوادث را آقايمان شنيده اند، ديد كه واقعاً ظلم دارد غوغا مي كند؛ ديگر اثری از قرآن و اسلام و دين نيست، تمام ثروت اين مملكت به غارت مي رود؛ حاضر شد جانش را كف دستش بگذارد به تأسّي از اباعبدالله الحسين بيايد در ميدان.

حالا اين آقا خودش را در ميان شيشه غلت مي دهد؛ اگر امروز به او بگويند تو بايد بروي آن طرف دنيا براي اسلام فرياد بزني، حاضر است برود فرياد بزند؟ اگر بگويند يك مقدار از اموالت را بده براي اسلام، سختش است.

البته عرض كنم بعضي از اينها آدم هاي واقعا خالصي هستند؛ اما از جهالت اينها عده اي استفاده مي كنند. اين وهن مذهب ماست؛ اين تضعيف كردن مذهب ماست؛ چه معنايي دارد انسان در ميان شيشه آنها شيشه هاي خرد غلت بخورد؟!

ما بايد مذهب را حفظ كنيم. ببينيم واقعاً اين كه گريهي بر امام حسين(ع) روي آن تأكيد شده و تصريح شده است بايد انجام بشود، عزاداري بايد به صورت معقول و صحيح صورت پذيرد؛ سینه زدن يك كار معقولي است؛ همه ي عقلا هم انجام مي دهند؛ بر سر زدن يك كار معقولي است، همه عقلا هم انجام مي دهند؛ اما روي شيشه غلت خوردن واقعاً غيرعقلايي و وهن است؛ و ما بايد خيلي مراقب باشيم و نگذاريم عظمت كار امام حسين(ع) با اين امور تباه و كم رنگ بشود؛ و خدائي ناكرده مسؤول باشيم.

اميدواريم دهه ي آخر صفر را موفق شويد و بتوانند تبليغ دين كنيد.

دو هفته درست تعطيل است؛ بعد از دو هفته انشاءالله درس را شروع مي كنيم.

وَصَلَّى اللّٰه عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.